Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Fall 2024, Vol. 12, No. 47, PP. 127-158

The Impact of Bank Managers' Overconfidence on Banking Stability: The Role of Supervisory Capital Regulations and Capital Adequacy in Iran

Mandana Taheri*
Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Peyman Shoja Shafiee
Master's in Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 07/05/2024 **Accepted: 19/10/2024**

Abstract:

Psychological characteristics of managers significantly influence banks' risk-taking behavior and overall banking stability. Simultaneously, regulatory frameworks aim to restrict bank risks to safeguard public interest, potentially moderating this relationship. This study explores the association between managerial overconfidence and banking stability, focusing on the moderating role of supervisory capital and capital adequacy regulations. For the statistical analysis, data from 16 banks listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2015–2022 were utilized. The results of the regression models indicate a positive and significant relationship between managerial overconfidence and banking stability. Additionally, supervisory capital and capital adequacy inversely moderate this relationship. These findings align with the private interest view of banking regulations and reflect the behavior of Iran's banking network, which, under inflationary economic conditions, allows bank managers to undertake actions beyond core banking operations to maintain stability and positive performance. This study emphasizes the need for regulatory frameworks tailored specifically to Iran's unique business environment, distinct from international practices.

JEL Classification: G21, G28, M54

Keywords: Managerial Overconfidence, Banking Stability, Bank Risk-Taking, Supervisory Capital, Capital Adequacy.

* Corresponding Author, Email: mandanataheri@atu.ac.ir

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۵۸–۱۲۷

تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بانکی بر ثبات بانکی با توجه به مقررات سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه در ایران

ماندانا طاهری

استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mandanataheri@atu.ac.ir

پیمان شجاع شفیعی

کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ایران

peyman shoja shafiee@atu.ac.ir

ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته بر ریسک‌پذیری بانک‌ها و سطح ثبات بانکی، اثرگذار است و از سوی دیگر، به منظور دستیابی به منفعت عمومی از عملکرد بانک‌ها، مقررات نظارتی در جهت محدود نمودن ریسک بانک‌ها تنظیم می‌شود که می‌تواند این رابطه را تعدیل نماید. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و ریسک‌پذیری بانک‌ها با توجه به اثر تعدیلی سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه بر این رابطه پرداخته شد. جهت انجام آزمون‌های آماری مرتبط در این پژوهش داده‌های جامعه بانکی کشور که عضو بورس اوراق بهادار است (مجموعاً ۱۶ بانک) برای دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ مورد استفاده قرار گرفت. نتایج برآورد مدل‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که بین بیش‌اطمینانی مدیریت و ثبات بانکی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است و سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه در جهت معکوس این رابطه را تعدیل می‌کند. این یافته‌ها با دیدگاه منفعت خصوصی در مقررات بانکی همخوانی دارد و مبین عملکرد شبکه بانکی در ایران در فعالیت‌هایی است که در تطابق با شرایط تورمی حاکم بر اقتصاد ایران، به مدیران بانکی اجازه می‌دهد تا خارج از فعالیت‌های اصلی بانک، با اقدامات مؤثر و متناسب با تورم، عملکرد مثبت و ثبات بانکی را حفظ نمایند. بنابراین، لزوم در نظر گرفتن مقررات نظارتی متفاوت با سایر کشورها در ایران و با توجه به فضای کسب‌وکار خاص در ایران، توصیه می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: G21, G28, M54

واژگان کلیدی: بیش‌اطمینانی مدیریت، ثبات بانکی، ریسک‌پذیری بانک، سرمایه نظارتی، کفایت سرمایه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

۱. مقدمه

ریسک‌پذیری بانک‌ها به‌ویژه، پس از بحران مالی آمریکا در سال ۲۰۰۸ توجه محققین را به خود جلب نمود و از آن زمان تاکنون، هم محققان و هم سیاست‌گذاران توجه بیشتری به درک محرک‌های بر هم زننده ثبات بانکی و ریسک‌پذیری بیشتر بانک‌ها نشان داده‌اند، زیرا ثابت شده است که برای ثبات کل سیستم مالی بسیار مهم است که سطح ریسک نظام مالی و اعتباری با دقت رصد و مدیریت شود (جیراسموا[1]، ۲۰۲۱). بر این اساس، جریان مهمی از ادبیات پژوهشی در این حوزه، بر ارتباط بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، از جمله ویژگی‌های مدیرعامل و سطح ثبات و ریسک‌پذیری بانک‌ها متمرکز بوده است. علاوه بر آن، تعداد زیادی از مطالعات نشان داده‌اند که ریسک‌پذیری بانک‌ها تحت تأثیر عوامل متعددی مانند محیط کلان خارجی، ساختار بازار و ویژگی‌های خرد شرکت است. در پژوهش‌های داخلی و با تأکید بر شرایط اقتصادی، امینی راد و همکاران (۱۳۹۸) بیان می‌کنند که تصمیمات سرمایه‌گذاری، مصرف، پس‌انداز، خرید بیمه و قراردادهای آتی، از جمله تصمیماتی هستند که ترجیحات ریسک در آن نقش کلیدی را بازی می‌کند و با توجه به چرخه‌های اقتصادی در ایران، ترجیحات ریسک متنوع و متفاوت بوده است. همچنین در پژوهش دیگری (امینی راد و همکاران، ۱۴۰۱) بیان می‌کنند که عواملی همچون افزایش رشد اقتصادی، افزایش نابرابری درآمد، بهبود شرایط بازار کار و نرخ تملک خودرو نیز از عوامل اقتصادی در بهبود ریسک‌پذیری در اقتصاد هستند.

در سطح خرد نیز قالیباف اصل و همکاران (۱۳۹۴) با تأکید بر سطح ریسک‌گریزی مدیران بر رابطه بین ریسک‌گریزی آنان و عملکرد نهادهای مالی تأکید نموده‌اند. بنابراین، مدیریت یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر ثبات بانکی و سطح ریسک‌پذیری بانک است. به عبارتی، مدیریت به عنوان استراتژی‌ساز و مجری بانک‌های تجاری، بدون شک بر سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. مدیران هستند که مستقیماً خط مشی شرکت را تدوین می‌کنند و نگرش آن‌ها نسبت به

1 Gerasimova

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

عدم اطمینان به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر ریسک‌پذیری شرکت تأثیر می‌گذارد. عموماً در پژوهش‌ها، فرض بر این است که یک مدیرعامل خاص می‌تواند از طریق ترکیبی منحصربه‌فرد از توانایی‌های مدیریتی، مهارت‌های رهبری، ویژگی‌های شخصی، ارزش‌ها و تجربه، بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد (کاپلان[1] و همکاران، ۲۰۱۲). با این حال، دیدگاه‌های نظری در مورد این موضوع به طور قابل توجهی در نتایج و زمان انجام پژوهش‌ها، متفاوت بوده است. برای مثال، نظریه سنتی نئوکلاسیک فرض می‌کند که مدیران ارشد، افراد کاملاً منطقی هستند، هم از نظر ارزش‌ها و هم مهارت‌ها درون‌زا هستند و می‌توانند به‌راحتی جایگزین یکدیگر شوند. در نتیجه، این تئوری فرض می‌کند که مدیران عامل هیچ تأثیر قابل‌توجهی بر تغییر عملکرد شرکت‌ها ندارند. در مقابل، تئوری نمایندگی پیشنهاد می‌کند که مدیران ارشد قدرت قابل توجهی بر نتایج شرکت دارند. با این حال، این نظریه تمرکز بیشتری بر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی برای به حداکثر رساندن مطلوبیت سهامداران دارد (برتراند و اسکوار[2]، ۲۰۰۳).

در نظریه دیگری، هامبریک و میسون[3] (۱۹۸۴) نیز استدلال می‌کنند که یک مدیر ارشد خاص در رده بالا، برای عملکرد شرکت مهم است. این نظریه فرض می‌کند که در رده‌های بالای مدیریتی، ممکن است مدیران از طریق تصمیم‌گیری استراتژیک بر نتایج شرکت تأثیرگذار باشند. به عبارتی، انتخاب‌های استراتژیک ماهیت پیچیده‌ای دارند و مهارت‌های شناختی، بازتاب‌ها و ارزش‌های شخصی مدیران در فرآیند تصمیم‌گیری درگیر می‌شوند. بنابراین، ویژگی‌های مدیریتی، تعیین‌کننده‌های مهم عملکرد سازمان هستند. مجموعه رو به رشد پژوهش‌ها از این نظریه حمایت می‌کنند؛ برای مثال جیراسموا (۲۰۲۱) شواهد تجربی در مورد وجود ارتباط بین ویژگی‌های خاص مدیرعامل و نتایج شرکت بر این اساس، ارائه می‌دهد. همچنین، در پژوهش‌های داخلی نیز ایزدی‌نیا و اعظمی (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که بین حاکمیت شرکتی و پنج حوزه مدیریتی

1 Kaplan
2 Bertrand & Schoar
3 Hambrick & Mason

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

و مالی با عملکرد بانک‌ها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، ادبیات اقتصاد رفتاری نیز اعتماد بیش از حد مدیریتی را به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی شناسایی کرده است که به‌طور قابل‌توجهی بر سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها و ثبات بانکی تأثیر می‌گذارد (کاسنر[1]، ۲۰۲۲). با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی خاص، اعتماد بیش از حد، به‌ویژه به مدیران عامل نسبت داده می‌شود و باعث می‌شود جریان‌های نقدی بالقوه آینده از سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌ها کم برآورد گردند و ریسک‌های بالقوه کمتر پیش‌بینی و ارائه شوند که این موضوع در نهایت می‌تواند منجر به ریسک‌پذیری بیش از حد شود (استپانوا و سوروا[2]، ۲۰۱۹). علاوه بر این، مدیران عامل با اعتمادبه‌نفس بیش از حد، دقت سیگنال‌های نویزدار را بیش از حد برآورد می‌کنند و بر این مبنا نیز احتمالاً بر تصمیم‌های ریسک‌پذیر اثر می‌گذارند (کاسنر، ۲۰۲۲). بنابراین، مسئله‌ای که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود این است که آیا سطح ریسک‌پذیری و ثبات بانکی را می‌توان با سوگیری‌های شناختی در رفتار مدیرعامل (به طور خاص اعتماد بیش از حد) توضیح داد؟

از سویی دیگر، مقررات احتیاطی بر سرمایه بانک‌ها، یکی از موضوعاتی است که به‌خصوص پس از بحران مالی، توجه محققان بسیاری را به خود جلب کرده است. بر این اساس، برای کاهش احتمال ورشکستگی و پریشانی در بانک‌ها، ارتقای سلامت اقتصادی کشورها و بازارهای بین‌المللی و ضرورت تنظیم رفتارهای ریسک‌پذیر بانک‌ها، کمیته نظارت بانکی بال، مجموعه‌ای از استانداردهای بین‌المللی را برای مقررات بانکی تنظیم نموده است و یکی از این مقررات، مقررات مرتبط با سرمایه بانکی است. بر پایه تئوری سپر سرمایه پیش‌بینی می‌شود که یک بانک با رویکرد حداقل نرخ سرمایه قانونی، ممکن است انگیزه‌ای برای افزایش سرمایه و کاهش ریسک به منظور اجتناب از هزینه‌های تنظیمی الزامات سرمایه داشته باشد. با این حال، بانک‌های دارای سرمایه ضعیف، همچنان ممکن است وسوسه شوند تا برای دستیابی به بازده انتظاری بالا، ریسک

1 Kassner
2 Stepanova & Suraeva

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

بیشتری بپذیرند که به آن‌ها کمک خواهد کرد تا سرمایه خود را افزایش دهند (اوبادیر و اوبادیر[1]، ۲۰۲۳؛ بخردی نسب، ۱۳۹۹). بنابراین، با در نظر گرفتن تئوری سپر سرمایه، این مسئله نیز قابل طرح است که آیا وضعیت سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه بانک‌ها، در رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و ریسک‌پذیری بانک‌ها تأثیرگذار است؟ به بیان دیگر کفایت سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه در بانک‌ها می‌تواند به عنوان یک ابزار نظارتی و کنترلی در رفتار سوگیرانه مدیران بیش‌اطمینان در ریسک‌پذیری مؤثر باشد؟

انجام این پژوهش ضرورت دارد، زیرا بانک‌ها اساساً مدل‌های تجاری، ساختار سرمایه و مالکیت و طرح‌های جبران خسارت اجرایی متفاوتی دارند. صنعت بانکداری نقش مهمی در تسهیل رشد و ثبات اقتصادی دارد و از آنجایی که ریسک‌پذیری بیش از حد در بخش مالی، پیامدهای اقتصادی دارد، درک کامل عواملی که بر رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها مؤثر است و شناسایی عواملی که ثبات بانکی را بر هم می‌زنند، مهم است. علاوه بر این، در شرایط پیچیده محیط اقتصاد جهانی و وجود تحریم در اقتصاد داخلی ایران و رشد فضای تورمی در کشور، این پژوهش با تحلیل رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و سطح ریسک‌پذیری، می‌تواند به بانک‌های تجاری برای بهبود حاکمیت داخلی و طراحی مشوق‌های جبرانی کمک نماید و از این حیث بااهمیت تلقی می‌گردد. از سوی دیگر، پس از شناسایی ریسک‌پذیری بیش از حد به عنوان یکی از دلایل اصلی آشفتگی بانک‌ها در آخرین بحران مالی، تحقیقات زیادی برای شناسایی عوامل تعیین‌کننده استراتژی ریسک‌پذیری بانک‌ها انجام شده است که بیشتر آن‌ها انگیزه‌های ریسک‌پذیری را از دیدگاه مالی سنتی توضیح می‌دهند (مثلاً نظریه خطر اخلاقی)، این در حالی است که بسط انگیزه‌های ریسک‌پذیری در بانک‌ها با رویکرد مالی رفتاری نیز مفید خواهد بود، زیرا افراد درگیر در اتخاذ تصمیم‌گیری در سطح شرکت ناگزیر در معرض سوگیری‌های شناختی هستند. این پژوهش با تکیه بر رویکرد مالی رفتاری در توضیح ریسک‌پذیری بانک‌ها به توسعه

1 Obadire & Obadire

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

ادبیات این موضوع نیز کمک کرده است. در نهایت، در نظر گرفتن سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، در توضیح ریسک‌پذیری بانک‌ها بر مبنای بیش اطمینانی مدیران عامل بانک‌ها، می‌تواند نقش مقررات نظارتی در این زمینه را آشکار سازد.

۲. مبانی نظری

یکی از واقعیت‌های مستند در ادبیات روانشناسی اجتماعی این است که افراد تمایل دارند بیش از حد احساس اعتماد کنند. محققان معتقدند که مدیران عامل از این قاعده مستثنا نیستند. درواقع، گوئل و تاکور[1] (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که مدیرانی که در تصمیم‌گیری بیش اطمینان هستند، احتمال بیشتری دارد که مدیرعامل شوند و آن‌ها معمولاً ریسک‌پذیرتر می‌باشند. اعتماد بیش از حد نوعی انحراف ناشی از درک ناکافی افراد از توانایی‌ها و دانش خود است. افرادی که بیش از حد به توانایی‌های خود اعتماد دارند، همیشه بهتر از آنچه هستند، خود را قضاوت می‌کنند (شفرین[2]، ۲۰۰۷). تحقیقات روان‌شناختی و اقتصاد رفتاری با بررسی ویژگی‌های اعتماد بیش از حد مدیران شرکت، نشان داده‌اند که اعتماد بیش از حد مدیران یک مسئله جدی‌تر از اعتماد بیش از حد کارکنان عادی است. همچنین، اکثر مدیران بیش‌اطمینان سودآوری شرکت، احتمال پروژه‌های سرمایه‌گذاری موفق و توانایی تجاری خود را بیش از حد برآورد می‌کنند (ویو[3]، ۲۰۲۰).

نظریه هامبریک و میسون (۱۹۸۴) بیان می‌کند که ترجیحات شخصی، نگرش‌ها و رفتار مدیران ارشد نقش مهمی در شکل دادن به استراتژی‌ها و فرهنگ یک سازمان دارد. شواهد تجربی فراوان نشان می‌دهند که ویژگی‌ها، شخصیت‌ها و تجربیات مدیران اجرایی و مدیران مالی در استراتژی‌های تجاری، عملکرد، سیاست‌های مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و سایر نتایج

1 Goel & Thakor
2 Shefrin
3 Wu

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

شرکت‌ها منعکس می‌شود (گراهام، هاروی و پوری[1]، ۲۰۱۳؛ کلین، واکلینگ و یور[2]، ۲۰۱۸؛ هرازدیل[3] و همکاران، ۲۰۲۰؛ هو[4] و همکاران، ۲۰۲۰؛ جبران، چن و کای[5]، ۲۰۲۰؛ المهدی و آلالی[6]، ۲۰۲۳). بر این اساس، سه عامل بر ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیرعامل و استراتژی‌های مخاطره‌آمیز در ادبیات مورد تأکید قرار گرفته است.

اول، مدیران عامل بسیار بیش‌اطمینان تمایل شدیدی دارند که با الهام بخشیدن به هیبت و تحسین، در کانون توجه قرار گیرند (ولز[7] و همکاران، ۲۰۱۳). این، آن‌ها را به دنبال استراتژی‌ها و سیاست‌هایی سوق می‌دهد که به نظر آن‌ها، توجه و تحسین مخاطب را جلب می‌کند و حس بینش و رهبری آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. دوم، احساس بیش از حد از خودباوری و برتری منجر به انتظارات مغرضانه مثبت می‌شود که تصمیمات آن‌ها نتیجه‌ی مثبتی خواهد داشت (چترجی و همبریک[8]، ۲۰۱۱؛ گرستنر[9] و همکاران، ۲۰۱۳؛ ولز و همکاران، ۲۰۱۳). سوم، مدیران عامل بیش اطمینان نیز بسیار خودمحور و منفعت‌طلب هستند (پتل و کوپر[10]، ۲۰۱۴). بنابراین، آن‌ها به شدت بر تضمین پاداش‌های شخصی متمرکز هستند و نسبت به نتیجه تصمیمات خود در مورد سرنوشت دیگران، مانند کارمندان یا سایر ذینفعان، نگرانی کمتری دارند. در همین ارتباط دی یانگ[11] و همکاران (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که استراتژی‌های پرخطر در محیط بانک‌های تجاری به عنوان سرمایه‌گذاری مدیران بیش‌اطمینان در سه نوع سیاست شناسایی می‌شوند: (الف) وام‌های تجاری و صنعتی، (ب) فعالیت‌های درآمدی بدون بهره و (ج) مشتقات و فعالیت‌های خارج از ترازنامه (از جمله اوراق بهادار با پشتوانه رهنی). مشخص شده است که همه این سیاست‌ها ریسک ذاتی

1 Graham, Harvi & Puri
2 Klein, Vakling & Yor
3 Hrazdil
4 Ho
5 Jobran, Chen & Kai
6 Almahdi & Alali
7 Wells
8 Chatterjee & Hambrick
9 Gerstner
10 Patel & Kuper
11 DeYoung

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

بانک‌ها را افزایش می‌دهند. به عبارتی، انتظار می‌رود بانک‌ها با مدیران عامل بیش اطمینان سرمایه‌گذاری بیشتری در این سیاست‌های مخاطره‌آمیز داشته باشند.

اول، سرمایه‌گذاری در این سیاست‌های مخاطره‌آمیز به مدیران عامل بیش اطمینان این امکان را می‌دهد تا جسارت و دیدگاه استراتژیک خود را در بانکداری برای جذب یک «مرحله اجتماعی» به نمایش بگذارند و وام‌های تجاری عموماً برای دیگران سودآورتر و قابل مشاهده‌تر از وام به سرمایه‌گذاران فردی هستند. علاوه بر این، مانند یافته‌های گرستنر و همکاران (۲۰۱۳) مبنی بر اینکه مدیران عامل بیش‌اطمینان در صنعت داروسازی بیشتر مستعد پذیرش فناوری‌های جدید در این صنعت هستند، مدیران عامل بیش اطمینان در بانک‌های تجاری ممکن است تمایل بیشتری به مشارکت در کارهای جدید و غیرسنتی، نوآوری‌های بانکی، مانند فعالیت‌های درآمدی بدون بهره و یا مشتقات و فعالیت‌های خارج از ترازنامه داشته باشند (لی و مارینک[1]، ۲۰۱۴).

دوم، همه‌ی این سیاست‌ها (وام‌های تجاری، فعالیت‌های درآمدی بدون بهره و مشتقات) در پژوهش‌ها به‌عنوان درجات بالاتری از ریسک‌های سیستماتیک توصیف شده‌اند، زیرا اتکای بانک‌ها را به جریان‌های درآمدی بی‌ثبات‌تر را افزایش می‌دهند (دی یانگ و همکاران، ۲۰۱۳). با این حال، به دلیل اعتمادبه‌نفس اغراق‌آمیز و احساس خود برتری (امونز[2]، ۱۹۸۷)، مدیران عامل بیش‌اطمینان متقاعد شده‌اند که می‌توانند این سیاست‌ها را به موفقیت تبدیل کنند و بنابراین، توجه کمتری به خطرات و جنبه‌های منفی بالقوه خواهند داشت (بویل[3] و همکاران، ۲۰۱۹). بر این اساس فرضیه‌ی اول پژوهش حاضر به شرح زیر است:

فرضیه اول: بیش‌اطمینانی مدیریت بر ثبات بانکی، تأثیر معناداری دارد.

توجیه تنظیم و ارائه مقررات معمولاً از شکست بازار مانند عوامل خارجی، قدرت بازار یا عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شود و تعیین سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه برای بانک‌ها از این اصل

1 Lee & Marink
2 Emmons
3 Buyl

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

مستثنا نیست. بارت[1] و همکاران (۲۰۱۳)، با تأکید بر مقررات حداقل سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، بیان می‌کند که دو دیدگاه شامل دیدگاه منافع عمومی و خصوصی در مورد مقررات بانکی و به‌ویژه مقررات سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه توضیح می‌دهد. در دیدگاه اول، هدف دولت‌ها حفاظت از منافع عمومی از طریق تنظیم فعالیت‌های بانکی است که به نوبه خود کارایی بانک را افزایش می‌دهد و به کاهش چشم‌انداز شکست بازار کمک می‌کند. در دیدگاه دوم، برخی مقررات بانکی برای به حداکثر رساندن منافع گروه خاصی از سرمایه‌گذاران تأیید یا حتی اجرا می‌شوند که منجر به افزایش ریسک‌پذیری بانک می‌شود. بنابراین، تحلیل تأثیر اقدامات نظارتی مختلف بر ریسک‌پذیری بانک از منظر این دو دیدگاه حائز اهمیت است.

به طور کلی، مقررات سرمایه تمایل به نظم بخشیدن به رفتار ریسک‌پذیر بانک‌ها دارد. به عبارتی، با توجه به «نفع عمومی»، اعتقاد بر این است که مقررات رسمی کفایت سرمایه نقش مهمی در هم‌سویی انگیزه‌های صاحبان بانک‌ها با سپرده‌گذاران و سایر اعتباردهندگان ایفا می‌کند که منجر به وام‌دهی دقیق‌تر و عملکرد بهتر بانک می‌شود و ریسک‌پذیری آن را در سطح منطقی کنترل می‌کند. در مقابل، حامیان «دیدگاه منافع خصوصی» تمایل دارند با تکیه بر مقررات سخت‌گیرانه سرمایه مخالفت کنند، مگر اینکه نشان داده شود که مزایا بیش از هزینه‌ها است و شانس یافتن راه‌حل جایگزین برای مشکلات انگیزشی نامطلوب وجود دارد (بارت و همکاران، ۲۰۱۳). این استدلال‌ها باعث می‌شود که در ارتباط با الزامات سرمایه دقیق‌تر و ارتباط آن با سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها و کارایی عملیات آن‌ها سؤالاتی ایجاد شود.

ماتیو[2] و همکاران (۲۰۲۳) بیان می‌کنند که بر اساس «دیدگاه منفعت عمومی»، محدود کردن فعالیت‌های بانک، مخاطرات اخلاقی را کاهش می‌دهد و رفتار ریسک‌پذیری بیش از حد بانک‌ها را با محدود کردن مشارکت آن‌ها در اوراق مشتقه و سایر فعالیت‌های غیرمرتبط با درآمد، منضبط می‌کند و در نتیجه فعالیت‌های مالی ممکن است منجر به شکل‌گیری نهادهای بسیار بزرگ و

1 Barrett
2 Mateev

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

پیچیده‌ای شوند که نظارت بر آن‌ها فوق‌العاده دشوار است. در مقابل، «دیدگاه منفعت خصوصی» بیان می‌کند که محدودیت‌های بیشتر در فعالیت‌های بانکی تمایل به ایجاد سرمایه شهرت و ارائه انواع خدمات به مشتریان را ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، مقررات می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که اختیاری را به تنظیم‌کننده‌ها بدهند و در نتیجه قدرت چانه‌زنی آن‌ها را برای رانت‌جویی و ریسک بانک افزایش دهند (جانکوف[1] و همکاران، ۲۰۰۲). بر این اساس فرضیه دوم پژوهش عبارتست از:

فرضیه دوم: سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر ثبات بانکی را به طور معناداری تقویت می‌کند.

۳. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه داخلی نشان می‌دهد که عمده پژوهش‌ها در این حوزه با تأکید بر شناسایی عوامل اقتصادی و بانکی مؤثر بر ثبات بانکی انجام شده است و پژوهشی که مستقلاً اثر مدیرعامل و بیش‌اطمینانی او در برقراری ثبات بانکی و سطح ریسک‌پذیری بانک را بسنجد، تاکنون انجام نشده است. برای مثال، اثر اندازه بانک، سرمایه احتیاطی و کلان، ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک سیستماتیک، اثر متغیرهای کلان اقتصادی و اثر سرمایه اجتماعی بر ثبات بانکی و ریسک‌پذیری بانک‌ها بررسی شده است که بحث در مورد این عوامل خارج از اهداف این پژوهش است. همچنین در خصوص بیش‌اطمینانی نیز پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و سطح ریسک شرکت‌های تولیدی و بازرگانی عضو بورس اوراق بهادار تأکید داشته‌اند.

عسگری و همکاران (۱۴۰۱)، مدلی برای بررسی اطمینان بیش از اندازه، اولویت ریسک، رفتار توده‌وار و سرمایه‌گذاری ناکارآمد مدیران مبتنی بر تئوری بازی ارائه نمودند. برای دستیابی به این هدف، داده‌ها بر اساس داده‌های آماری و پرسشنامه تهیه و تعداد ۳۲۰ پرسشنامه گردآوری

1 Djankov

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

گردید. نتایج نشان می‌دهد اطمینان بیش از اندازه، اولویت ریسک و رفتار توده‌ای مدیران با سرمایه‌گذاری ناکارآمد رابطه معناداری دارد. همچنین، اطمینان بیش از اندازه مدیران، رابطه میان اولویت ریسک و سرمایه‌گذاری ناکارآمد را تعدیل می‌کند.

در پژوهش دیگری با تأکید بر ریسک در بخش بانکی و ارتباط آن با بیش اطمینانی مدیریت، هاشمیان و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی تأثیر اعتماد بیش از حد مدیرعامل بر ریسک‌پذیری بانک‌ها پرداختند. برای تعیین میزان ریسک‌پذیری از سه معیار شامل (ریسک کل، ریسک ویژه و ریسک سیستماتیک) استفاده نموده و دریافتند که اعتماد بیش از حد مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک‌پذیری بانک‌ها دارد. جنبه‌ی متفاوت این پژوهش با پژوهش هاشمیان و همکاران (۱۴۰۰) آن است که در این پژوهش بر ثبات بانکی تأکید شده است و ریسک از منظر شاخص Z-score صندوق بین‌المللی پول محاسبه و در مدل‌ها وارد شده است. افزون بر این، پژوهشی در خصوص نقش سرمایه‌ی نظارتی و کفایت سرمایه در رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و ریسک‌پذیری بانک نیز یافت نشد و در این پژوهش به بررسی این رابطه پرداخته شده است.

در پژوهش دیگری، بخردی‌نسب (۱۳۹۹)، ارتباط بین مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه و ریسک‌پذیری بانک‌ها با نقش تعدیلگری کارایی سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار داد. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که با کارایی سرمایه‌گذاری، مقررات احتیاطی، سرمایه بانک‌ها را افزایش و ریسک‌پذیری آن‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین، مقررات احتیاطی، رفتار احتیاطی بانک‌ها را از طریق کاهش ریسک‌پذیری و افزایش سرمایه بانک‌ها، افزایش می‌دهد که نشان می‌دهد اکثر بانک‌های کشور در سال‌های اخیر در راستای چارچوب‌های نظارتی و مقررات بین‌المللی حرکت کرده‌اند. بر این اساس، در مورد نقش سرمایه نظارتی در رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و ریسک‌پذیری در پژوهش‌های داخلی، مستند چندانی وجود ندارد و تنها در پژوهش بخردی نسب (۱۳۹۹)، نقش کفایت سرمایه در کاهش ریسک‌پذیری مطرح شده است، اما اینکه همراه با بیش-اطمینانی مدیریت چه تأثیری بر ریسک‌پذیری بانک خواهد گذاشت، به‌عنوان یک مسئله قابل بررسی مطرح است. درواقع نوآوری پژوهش را می‌توان در نظر گرفتن نقش سرمایه نظارتی در

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و ریسک‌پذیری دانست. به نوعی که در تمایز میان پژوهش هاشمیان و همکاران (۱۴۰۰)، بر اساس نتایج پژوهش حاضر، می‌توان علاوه بر تفاوت در نحوه سنجش ریسک‌پذیری بانک‌ها، در نظر گرفتن نقش تعدیلی سرمایه نظارتی در رابطه بین بیش-اطمینانی مدیریت و ریسک‌پذیری بانک را عنوان نمود و این پژوهش را تکمیل‌کننده نتایج پژوهش‌هایی چون هاشمیان و همکاران (۱۴۰۰) و بخردی‌نسب (۱۳۹۹) دانست.

در پژوهش‌های خارجی آلتین و جاکاریا[1] (۲۰۲۲)، رفتار ریسک‌پذیری بانک‌های اندونزی را بر پایه‌ی اعتماد بیش از حد مدیریتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که اعتماد بیش از حد مدیرعامل تأثیر مثبتی بر ریسک بانکی دارد.

جیلانی و چئوبی[2] (۲۰۲۱)، به بررسی میزان تأثیر رفتاری مدیر اجرایی (مدیرعامل) بر ریسک‌پذیری بانک پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که وقتی به نظر می‌رسد مدیران عامل از اعتماد بیش از حد زیادی برخوردار هستند، به احتمال زیاد بر تصمیم‌گیری هیئت‌مدیره به نفع کاهش ریسک خود تأثیر می‌گذارند. هرچه تسلط مدیرعامل بیشتر باشد، با توجه به ارتباط مثبت قابل توجه تسلط مدیرعامل با رویه ریسک‌پذیری، ریسک ویژه بانک کاهش می‌یابد.

لین[3] (۲۰۱۹)، تأثیر خوش‌بینی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک‌های تجاری را مورد بررسی قرار داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که خوش‌بینی بیش از حد مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک‌پذیری بانک‌های تجاری دارد. سطح ریسک‌پذیری بانک نیز رابطه مثبتی با سهمیه سپرده به وام و نسبت هزینه به درآمد دارد و با کفایت سرمایه اصلی و مقیاس ادعایی همبستگی منفی دارد.

استپانوا و سوروا[4] (۲۰۱۹)، نقش بیش‌اطمینانی مدیریت و هیئت‌مدیره را در ریسک‌پذیری بانک‌ها مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که ریسک‌پذیری بیش از حد در بانک‌ها از

1 Altin & Jakaria
2 Jilani & Chouaibi
3 Lin
4 Stepanova & Suraeva

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

سوگیری شناختی اعتماد بیش از حد تصمیم‌گیری مدیرعامل ناشی می‌شود. این مطالعه همچنین، نشان می‌دهد که چگونه تأثیر یک مدیرعامل با اعتمادبه‌نفس بیش از حد بر ریسک‌پذیری با توجه به تعامل بیش از حد مدیرعامل با هیئت‌مدیره تأثیر می‌گذارد.

مهدی و عباس[1] (۲۰۱۸)، یک تحلیل رفتاری، از طریق اعتماد بیش از حد، به منظور درک اینکه چگونه این سوگیری شناختی می‌تواند بر ریسک‌پذیری و ناکارآمدی بانک‌های اسلامی و متعارف فعال در منطقه MENA تأثیر می‌گذارند را انجام دادند. آن‌ها دریافتند که دو اعتماد بیش از حد بر میزان مواجهه با ریسک و در نتیجه بر سطح کارایی بانک‌های اسلامی و متعارف تأثیر دارند. به طور کلی، سوگیری بیش از حد اطمینان باعث ریسک‌پذیری بیش از حد و کاهش سطح کارایی هزینه می‌شود. علاوه بر این، این اثرات با سه تا چهار سال تأخیر ظاهر می‌شوند و پیامدهایی دارند که برای هر دو نوع بانک چندان متفاوت نیست.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های واقعی بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد مطالعه به آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد، بنابراین پژوهشی کمی است و از این منظر ماهیت عینی داشته و به آمار و ارقام وابسته است. مبانی نظری پژوهش با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌ها و برازش مدل‌های پژوهش نیز گردآوری داده‌ها با بهره‌گیری از اطلاعات بازار (استخراجی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بورس) و اطلاعات صورت‌های مالی صورت پذیرفت.[2] در این پژوهش جامعه آماری بانک‌ها و مؤسسات مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار[3] است که با توجه به تعداد محدود نمونه، نمونه‌گیری مطرح نیست و کلیه جامعه در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۶

1 Mahdi & Abbes

۲. لازم به ذکر است که از نرم‌افزار ره‌آورد نوین برای تسهیل در استخراج داده‌ها استفاده گردیده است.

۳. بانک‌های بررسی شده در این پژوهش عبارتند از: اعتباری ملل، اقتصاد نوین، پارسیان، پاسارگاد، تجارت، خاورمیانه، دی، سامان، سرمایه، سینا، صادرات ایران، قرض‌الحسنه رسالت، کارآفرین، گردشگری، ملت و پست‌بانک ایران.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

مد نظر قرار گرفت و تنها در صورتی که داده‌های بانک یا مؤسسه مالی پذیرفته‌شده، در دسترس نباشد از جامعه مورد بررسی حذف گردید. بر این اساس ۱۲۸ سال/ شرکت مشاهده در جامعه مورد بررسی وجود دارد. برای آزمون فرضیات پژوهش، از رگرسیون خطی چند متغیره به روش پانل دیتا و در محیط نرم‌افزار Eviews13 انجام شد؛ البته در ادامه ابتدا به منظور کسب شناخت بیشتر درباره جامعه آماری و متغیرهای مورد مطالعه، خلاصه‌ای از آمار توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه و نرمال بودن توزیع متغیر وابسته آزمون گردید. سپس، بر اساس طبقه‌بندی صورت گرفته در خصوص فرضیه‌های تحقیق، به گزارش آزمون فرضیه‌ها و تجزیه‌وتحلیل نتایج حاصل پرداخته شد.

۵. مدل پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده می‌گردد. مدل آزمون فرضیه اول پژوهش (بیش‌اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک، تأثیر معناداری دارد.) به شرح معادله (۱) است:

$$\mathrm{Risk}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \mathrm{O}_{i,t} + \beta_2 \mathrm{Size}_{i,t} + \beta_3 \mathrm{Board-size}_{i,t} + \beta_4 \mathrm{Board-ind}_{i,t} + \beta_5 \mathrm{OWN1}_{i,t} + \beta_6 \mathrm{OWN1-2}_{i,t} + \beta_7 \mathrm{OWN1-5}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \qquad (۱)$$

که در آن؛

$\mathrm{Risk}_{i,t}$: ریسک‌پذیری بانک؛ $\mathrm{O}_{i,t}$: بیش‌اطمینانی مدیریت؛ $\mathrm{Size}_{i,t}$: اندازه بانک؛ $\mathrm{Board-size}_{i,t}$: اندازه هیئت‌مدیره؛ $\mathrm{Board-ind}_{i,t}$: استقلال هیئت‌مدیره؛ $\mathrm{OWN1}_{i,t}$: مالکیت سهامدار عمده؛ $\mathrm{OWN1-2}_{i,t}$: مالکیت دو سهامدار عمده؛ $\mathrm{OWN1-5}_{i,t}$: مالکیت پنج سهامدار عمده.

مدل آزمون فرضیه دوم پژوهش (سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک را به طور معناداری تضعیف می‌کند.) به شرح معادله ۲ است:

$$\mathrm{Risk}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \mathrm{O}_{i,t} + \beta_2 \mathrm{RC}_{i,t} + \beta_3 \mathrm{O}_{i,t} * \mathrm{RC}_{i,t} + \beta_4 \mathrm{Size}_{i,t} + \beta_5 \mathrm{Board-size}_{i,t} + \beta_6 \mathrm{Board-ind}_{i,t} + \beta_7 \mathrm{OWN1}_{i,t} + \beta_8 \mathrm{OWN1-2}_{i,t} + \beta_9 \mathrm{OWN1-5}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \qquad (۲)$$

که در آن؛ $\mathrm{RC}_{i,t}$: سرمایه نظارتی بانک.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

متغیرهای وابسته

ثبات بانک ($Risk_{i,t}$): در این پژوهش برای سنجش ثبات بانکی از شاخص z-score استفاده می‌شود که معیاری کلی برای ریسک‌پذیری بانک‌ها است و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Z = \frac{\mu\ ROA + EA}{SDROA}$$

که در این رابطه:

μ ROA: میانگین بازده دارایی‌ها در سه سال اخیر، EA : نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌ها و SDROA : انحراف معیار سه‌ساله بازده دارایی‌های بانک است.

شاخص Z میزان ثبات بانک را نشان می‌دهد و معکوس آن احتمال ورشکستگی را بیان می‌کند. مقادیر بالای شاخص Z نشان‌دهنده ریسک پایین و ثبات بالا برای بانک بوده و مقادیر پایین آن نیز حاکی از ثبات پایین و ریسک‌پذیری بالا است (لیون و لون[1]، ۲۰۰۹). این شاخص یکی از شاخص‌های مورد استفاده در سنجش ثبات بانکی است که توسط صندوق بین‌المللی پول ارائه شده است (سگوویانو[2]، ۲۰۰۹) و در پژوهش‌های داخلی نیز طاهری (۱۳۹۹) از این شاخص برای سنجش ثبات بانکی در شبکه بانکی ایران استفاده نموده است.

متغیر مستقل

بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$): برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیریت مطابق شراند و زچمن[3] (۲۰۱۱) و جیلانی و چئوبی (۲۰۲۱) از مفهوم مازاد سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. مازاد سرمایه‌گذاری از رگرسیون رشد دارایی‌ها نسبت به رشد فروش در سطح صنعت به شرح رابطه زیر به دست می‌آید و در صورتی که باقی‌مانده رابطه برای شرکت مثبت باشد به این معناست که در آن شرکت سرمایه‌گذاری بیش از حد انجام شده و در این شرایط بیش‌اطمینانی مدیریت مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

1 Leon & Lown
2 Segoviano
3 Schearand & Zechman

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

$$ASSET.\,GR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SALES.\,GR_{i,t} + \varepsilon_t$$

که در آن:

$ASSET.\,GR_{i,t}$: رشد دارایی‌ها در سال t؛ $SALES.\,GR_{i,t}$: رشد فروش در سال t.

متغیر تعدیلگر

سرمایه نظارتی ($RC_{i,t}$): متغیری دو ارزشی است که به پیروی از تحقیق محقق نیا و پاک نیت (۱۳۹۶)، چنانچه نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها بالاتر یا مساوی ۸ درصد باشد، عدد ۱ تعلق گرفته و در غیر این صورت، عدد صفر تعلق می‌گیرد، زیرا انتظار می‌رود که افزایش در مقررات احتیاطی سرمایه، بر سطح سرمایه اثر مثبت داشته باشد. قانون بانکداری ایران، بانک‌هایی با نسبت کفایت سرمایه کمتر از ۸ درصد را به عنوان بانک‌هایی با کمبود سرمایه در نظر گرفته است. کفایت سرمایه به پیروی از تحقیق محقق نیا و پاک نیت (۱۳۹۶) و بیدل[1] و همکاران (۲۰۰۸)، با استفاده از نسبت سرمایه به جمع دارایی‌ها سنجیده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

اندازه بانک ($Size_{i,t}$): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها، اندازه هیئت‌مدیره ($Board - size_{i,t}$): تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره ($Board - ind_{i,t}$): درصد مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره، مالکیت سهامدار عمده ($OWN1_{i,t}$): درصد مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار، مالکیت دو سهامدار عمده ($OWN1 - 2_{i,t}$): درصد مالکیت دو سهامدار بزرگ، مالکیت پنج سهامدار عمده ($OWN1 - 5_{i,t}$): درصد مالکیت پنج سهامدار بزرگ.

آمار توصیفی

نتایج جدول ۱ بیانگر آن است که تمام اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش به طور کامل استخراج شده و مشاهده گمشده در تحقیق وجود ندارد.

1 Biddle

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

جدول ۱: معیارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	میانه	انحراف‌معیار	چولگی
ریسک‌پذیری بانک ($Risk_{i,t}$)	۱۲۸	-۹۱/۴۸۱	۱۱۶/۱۲۴	۹/۱۸۷	۶/۳۰۸	۲۲/۱۷۵	۰/۶۰۵
اندازه بانک ($Size_{i,t}$)	۱۲۸	۱۷/۵۳۸	۲۳/۳۵۹	۲۰/۱۳۵	۲۰/۰۱۳	۱/۲۷۸	۰/۳۹۳
اندازه هیئت‌مدیره ($Board - size_{i,t}$)	۱۲۸	۴	۷	۵/۲۶۶	۵	۰/۶۴۶	۱/۸۰۲
استقلال هیئت‌مدیره ($Board - ind_{i,t}$)	۱۲۸	۰	۱	۰/۵۰۳	۰/۶۰	۰/۲۳۸	-۰/۶۵۹
مالکیت سهامدار عمده ($OWN1_{i,t}$)	۱۲۸	۲/۹۲	۶۵	۱۶/۲۶۲	۸/۹۰	۱۷/۱۳۴	۱/۷۰۶
مالکیت دو سهامدار عمده ($OWN1 - 2_{i,t}$)	۱۲۸	۴/۳۲	۷۶	۲۴/۶۵۶	۱۷/۰۱	۲۰/۸۵۴	۱/۴۸۸
مالکیت پنج سهامدار عمده ($OWN1 - 5_{i,t}$)	۱۲۸	۵/۳۶	۸۸/۱۰	۳۷/۹۴۲	۳۲/۱۴۵	۲۲/۰۴۱	۰/۹۹۳
کفایت سرمایه ($RC_{i,t}$)	۱۲۸	-۳۵۲	۱۴/۱۰	-۴/۷۱۳	۳/۵۵۵	۴۴/۷۳۶	-۶/۵۵۲

توزیع مشاهدات در متغیر ریسک‌پذیری نشان داد که میزان چولگی مشاهدات، کمی به سمت راست است. میانگین شاخص مذکور برابر با ۹/۱۸۷ و میانه ۶/۳۰۷ است که اختلاف خیلی زیادی با یکدیگر نداشته و همین موضوع بیانگر تقارن تقریبی توزیع مشاهدات است. مقدار آماره آزمون جارک-برا ۴۴۲/۰۳ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۰۱ است. لذا فرض نرمال بودن توزیع مشاهدات رد می‌شود ($p < ۰/۰۵$) که با توجه به نقش متغیر مذکور (به عنوان متغیر وابسته در مدل رگرسیونی لحاظ شده است) حتماً در بخش آمار استنباطی بایست از داده‌های تعدیل شده در برازش مدل استفاده نمود.

اندازه بانک بر اساس لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه شده است و بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده بین ۱۷/۵۳۸ و ۲۳/۳۵۸ تغییر نموده است که به ترتیب در بانک خاورمیانه و بانک

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

ملت ثبت شده است. اندازه هیئت‌مدیره که بر اساس تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره حاصل می‌شود در این پژوهش بین ۴ و ۷ و به ترتیب در بانک اقتصاد نوین و بانک خاورمیانه ثبت شده است. میانگین اندازه هیئت‌مدیره ۵/۲۶۵ و میانه ۵ بوده است و اختلاف بین میانگین و میانه ناچیز است. استقلال هیئت‌مدیره که بر مبنای درصد مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره تعریف شده است و بین صفر و یک تغییر نموده است. میانگین و میانه استقلال هیئت‌مدیره به ترتیب ۰/۵۰۲ و ۰/۶۰۰ بوده است و بر این اساس، ۵۷ سال- بانک میزان استقلال هیئت‌مدیره مقدار ۰/۶ بود. مالکیت سهامدار عمده با درصد مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار تعریف شده است و در این پژوهش بین ۲/۹۲ و ۶۵ در بانک‌های دی و سینا تغییر نموده است. مالکیت دو سهامدار عمده بر اساس درصد مالکیت دو سهامدار بزرگ به دست آمده است. مالکیت دو سهامدار عمده بین ۴/۳۲ و ۷۶ درصد تغییر کرده است و به ترتیب در بانک دی و پست‌بانک ایران ثبت شده است. مالکیت پنج سهامدار عمده بر مبنای درصد مالکیت پنج سهامدار بزرگ حاصل شده است که بین ۵/۳۶ و ۸۸/۱۰۰ به ترتیب در بانک‌های سینا و دی تغییر نموده است. علاوه بر متغیرهای ارائه شده در جدول ۲ متغیر بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$) به عنوان متغیر مستقل بر اساس رگرسیون رشد دارایی‌ها نسبت به رشد فروش در سطح صنعت حاصل شده است و در صورتی که باقیمانده مدل مذکور مثبت باشد به این معناست که در آن بانک سرمایه‌گذاری بیش از حد انجام شده و در این شرایط بیش اطمینانی مدیریت مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد. جدول ۲ فراوانی متناظر با متغیر فوق را ارائه نموده است.

جدول ۲: جدول فراوانی متناظر با متغیر بیش اطمینانی مدیریت

متغیر	شرح	فراوانی	درصد
بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$)	باقیمانده رگرسیون رشد دارایی‌ها نسبت به رشد فروش در سطح صنعت منفی است (کم سرمایه‌گذاری بانک)	۷۲	۵۶/۶۹
	باقیمانده رگرسیون رشد دارایی‌ها نسبت به رشد فروش در سطح صنعت مثبت است (بیش سرمایه‌گذاری بانک)	۵۵	۴۳/۳۱

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

یافته‌های جدول فوق نشان داد که ۵۵ سال – بانک دارای بیش اطمینانی بوده‌اند که معادل با ۴۳/۳۱ درصد از کل نمونه را در بر می‌گیرد. متغیر سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه نیز به عنوان متغیر تعدیلگر در مدل‌های رگرسیونی، متغیری دو ارزشی است که در صورتی که نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها بالاتر یا مساوی ۸ درصد باشد، عدد ۱ تعلق گرفته و در غیر این صورت، عدد صفر تعلق گرفته است. جدول فراوانی متناظر با شاخص مذکور به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳: جدول فراوانی متناظر با متغیر سرمایه نظارتی

متغیر	شرح	فراوانی	درصد
سرمایه نظارتی ($RC_{i,t}$)	نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها کمتر ۸ درصد است	۱۰۵	۸۲/۰۳
	نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها بالاتر یا مساوی ۸ درصد است	۲۳	۱۷/۹۷

یافته‌های جدول فوق نشان داد که در ۲۳ مشاهده نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها بالاتر یا مساوی ۸ درصد است.

۶. تفسیر یافته‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش

قبل از برآورد مدل پژوهش به منظور بررسی فرضیه اول پژوهش، آزمون F لیمر و هاسمن برای تعیین مدل برازش فرضیه اول انجام شد.[۱] جدول ۴ نتایج برآورد مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

۱. بر اساس نتایج آزمون‌های فوق‌الذکر، نتایج آزمون F لیمر بیانگر رد فرضیه صفر و مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل است. نتایج آزمون هاسمن، نیز بیانگر مناسب بودن اثرات ثابت برای برآورد مدل است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

جدول ۴: خلاصه نتایج برازش مدل رگرسیونی و برآورد ضرایب

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	β_0	-۱۵۱/۲۳	۳۹/۹۶	-۳/۷۸۴	۰/۰۰۰۲	
بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$)	β_1	۴/۳۲۱	۱/۹۹۷	۲/۱۶۳	۰/۰۳۲۵	مستقیم و معنادار
اندازه بانک ($Size_{i,t}$)	β_2	۴/۴۵۱	۱/۶۸۴	۲/۶۴۳	۰/۰۰۰۹۳	مستقیم و معنادار
اندازه هیئت‌مدیره ($Board-size_{i,t}$)	β_3	۱۳/۶۲۵	۲/۹۱۴	۴/۶۷۴	۰/۰۰۰۱	معکوس و معنادار
استقلال هیئت‌مدیره ($Board-ind_{i,t}$)	β_4	۷/۶۶۹	۱۰/۳۷۱	۰/۷۳۹	۰/۴۶۱۳	معنادار نیست
مالکیت سهامدار عمده ($OWN1_{i,t}$)	β_5	۱/۴۵۹	۰/۵۱۰	۲/۸۶۰	۰/۰۰۵۰	مستقیم و معنادار
مالکیت دو سهامدار عمده ($OWN1-2_{i,t}$)	β_6	-۰/۷۲۳	۰/۹۲۸	-۰/۷۷۹	۰/۴۳۷	معنادار نیست
مالکیت پنج سهامدار عمده ($OWN1-5_{i,t}$)	β_7	۰/۴۴۷	۰/۶۳۸	۰/۷۰۰	۰/۴۸۵	معنادار نیست
نتایج کلی مدل		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۰۴۲	آماره F	۴/۸۸۶	
		آماره دوربین واتسون	۱/۶۱۸	سطح معناداری	۰/۰۰۱	

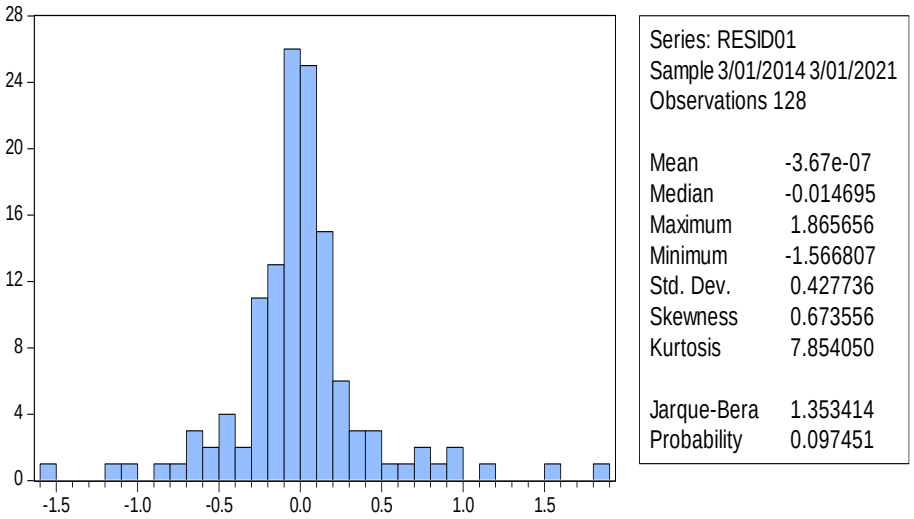
نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که آماره فیشر (F_{df_1,df_2} =۴/۸۸۶) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیشر است، لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار است. ($p-value$ = ۰/۰۰۱ < ۰/۰۵). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۵۰/۷۹ درصد تغییرات ریسک‌پذیری بانک بر اثر تغییرات متغیرهای بیش اطمینانی مدیریت به همراه تغییرات در متغیرهای کنترلی است. ضریب رگرسیونی متناظر با بیش اطمینانی مدیریت ۴/۳۲۱ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۳۲ کمتر از ۰/۰۵ است. بر این اساس، هر چه شاخص

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

بیش اطمینانی مدیریت بیشتر باشد، مقدار ریسک‌پذیری (نسبت معکوس ریسک‌پذیری) در مدل رگرسیونی افزایش خواهد یافت. بنابراین، رابطه بین متغیرهای مذکور مستقیم و معنادار بوده است. با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه «**بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک تأثیر معناداری دارد**» تائید می‌شود. مدل رگرسیونی در صورتی دارای اعتبار است که باقیمانده‌های مدل رگرسیونی (خطای مدل) دارای توزیع نرمال باشد. همچنین شرط عدم خودهمبستگی بین مقادیر خطا و شرط عدم وجود ترکیب خطی بین متغیرهای توضیحی (مستقل و کنترل) برقرار باشد. همچنین به‌منظور سنجش قابلیت اتکا به نتایج پژوهش، برخی از مفروضات اولیه مدل‌های رگرسیونی بررسی شده است.

الف) نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی: برای ارزیابی نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی از آماره جارک – برا به همراه نمودار هیستوگرام استفاده می‌نماییم که برای مدل رگرسیونی پژوهش به صورت شکل ۱ است.



شکل ۱: نمودار هیستوگرام و آماره جارک برا برای باقیمانده در مدل رگرسیونی

یافته‌های نمودار فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری در آزمون جارک – برا ۰/۰۹۷ و بیش از ۰/۰۵ است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی تائید می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

ب) عدم خودهمبستگی خطای مدل رگرسیونی: یکی از شروط اعتبار مدل رگرسیونی عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل رگرسیونی است که با آماره دوربین واتسون مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آماره دوربین واتسون عددی بین صفر تا ۴ است در صورتی که این عدد بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد فرض عدم خودهمبستگی خطای مدل رگرسیونی تائید می‌شود. آماره دوربین واتسون در مدل رگرسیونی مذکور ۱/۶۱۸ است. بنابراین، فرض عدم خودهمبستگی برای خطا مدل رگرسیونی تائید می‌گردد.

ج) عدم همبسته بودن متغیرهای پیش‌بین یا همخطی (عدم ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین): برای ارزیابی وجود ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین از آماره عامل تورم واریانس[1] VIF استفاده می‌نماییم.

جدول ۵: نتایج بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین در فرضیه اول

	آماره آزمون
بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$)	۱/۹۵۸
اندازه بانک ($Size_{i,t}$)	۱/۰۶۴
اندازه هیئت‌مدیره ($Board-size_{i,t}$)	۱/۳۳۲
استقلال هیئت‌مدیره ($Board-ind_{i,t}$)	۱/۶۴۷
مالکیت سهامدار عمده ($OWN1_{i,t}$)	۱/۵۸۱
مالکیت دو سهامدار عمده ($OWN1-2_{i,t}$)	۱/۲۶۴
مالکیت پنج سهامدار عمده ($OWN1-5_{i,t}$)	۱/۰۰۲

عامل تورم واریانس شدت همخطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی ارزیابی می‌کند. شدت همخطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار VIF می‌توان تحلیل نمود. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک بود نشان‌دهنده عدم وجود همخطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگ‌تر از ۵ باشد همخطی چندگانه بالا است. یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین مشکل هم خطی را نداشته و مدل دارای اعتبار است.

1. Variance inflation factor

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

فرضیه دوم پژوهش

قبل از برآورد مدل پژوهش به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش، آزمون F لیمر و هاسمن برای تعیین مدل برازش فرضیه دوم انجام شد. بر اساس نتایج آزمون‌های فوق‌الذکر، نتایج آزمون F لیمر بیانگر رد فرضیه صفر و مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل است. نتایج آزمون هاسمن، نیز بیانگر مناسب بودن اثرات تصادفی برای برآورد مدل است. جدول ۶ نتایج برآورد مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۶: خلاصه نتایج برازش مدل رگرسیونی و برآورد ضرایب فرضیه دوم

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	β_0	-۱۰۱/۸۶	۴۹/۱۴۱	-۲/۰۷۲	۰/۰۴۰۴	
بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$)	β_1	۱۲/۲۲۴	۶/۱۰۱	۲/۰۰۳	۰/۰۴۷۸	مستقیم و معنادار
سرمایه نظارتی ($RC_{i,t}$)	β_2	-۱۶/۹۲۶	۵/۶۸۸	-۲/۹۶۸	۰/۰۰۳۶	معکوس و معنادار
اثر توأم سرمایه نظارتی و بیش اطمینان مدیریتی	β_3	-۱/۰۷۱	۰/۴۹۸	-۲/۱۴۹	۰/۰۳۳۷	معکوس و معنادار
اندازه بانک ($Size_{i,t}$)	β_4	۳/۹۵۵	۱/۶۱۲	۲/۴۵۳	۰/۰۱۵۶	معنادار نیست
اندازه هیئت‌مدیره ($Board-size_{i,t}$)	β_5	۹/۴۹۷	۳/۰۴۹	۳/۱۱۴	۰/۰۰۲۳	معنادار نیست
استقلال هیئت‌مدیره ($Board-ind_{i,t}$)	β_6	۶/۲۹۴	۹/۰۰۰۷	۰/۶۹۹	۰/۴۸۵۸	معکوس و معنادار
مالکیت سهامدار عمده ($OWN1_{i,t}$)	β_7	۱/۰۲۷	۰/۶۱۲	۱/۶۷۹	۰/۰۹۵۸	مستقیم و معنادار
مالکیت دو سهامدار عمده ($OWN1-2_{i,t}$)	β_8	-۰/۶۳۵	۰/۷۲۱	-۰/۸۸۱	۰/۳۸۰۱	معنادار نیست

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

ادامه جدول ۶: خلاصه نتایج برازش مدل رگرسیونی و برآورد ضرایب فرضیه دوم

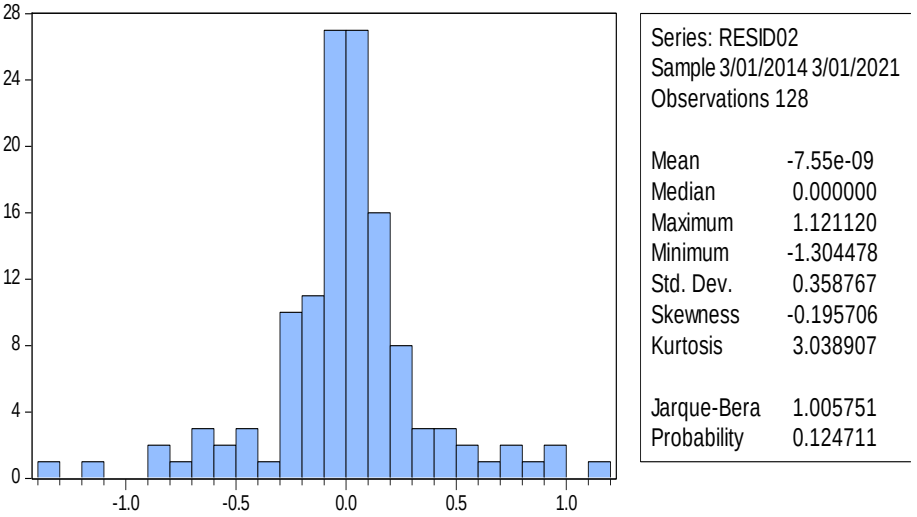
متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
مالکیت پنج سهامدار عمده $(-OWN1_{i,t5})$	β_9	-۰/۱۵۱	۰/۴۴۸	-۰/۳۳۹	۰/۷۳۵۰	معکوس و معنادار
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۰۴۰	آماره F		۲/۶۲۵
	آماره دوربین واتسون		۱/۶۹۸	سطح معناداری		۰/۰۰۸

نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که آماره فیشر ($\mathbf{F_{df_1,df_2}}$ = ۲/۶۲۵) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیشر است لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار است. ($\mathbf{p-value}$ = ۰/۰۰۱ < ۰/۰۵). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۲۰/۴۰ درصد تغییرات ریسک‌پذیری بانک بر اثر تغییرات متغیرهای بیش اطمینانی مدیریت، سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه و اثر توأم آن دو متغیر به همراه تغییرات در متغیرهای کنترلی است. ضریب رگرسیونی متناظر با بیش اطمینان مدیریت ۱۲/۲۲۴ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۴۷ کمتر از ۰/۰۵ است لذا افزایش شاخص مذکور به منزله تأثیر مستقیم و معنادار بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک است. ضریب رگرسیونی متناظر با سرمایه نظارتی ۱۶/۹۲۶- و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۰۲۳ کمتر از ۰/۰۵ است. لذا سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه بالاتر میزان ریسک‌پذیری بانک کمتر را به همراه خواهد داشت. با این حال ضریب رگرسیونی متناظر با اثر توأم رقابت بیش اطمینانی و سرمایه نظارتی ۱/۰۷۱- و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۳۳۷ و کمتر از ۰/۰۵ است (P <۰/۰۵). لذا با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه «سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک را به طور معناداری تضعیف می‌کند» تائید می‌شود. همچنین به‌منظور سنجش قابلیت اتکا به نتایج پژوهش، برخی از مفروضات اولیه مدل‌های رگرسیونی بررسی شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

الف) نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی: برای ارزیابی نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی از آماره جارک – برا به همراه نمودار هیستوگرام استفاده می‌نماییم.



شکل ۲: نمودار هیستوگرام و آماره جارک برا برای باقیمانده در مدل رگرسیونی

یافته‌های نمودار فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری در آزمون جارک – برا ۰/۱۲۴ و بیش از ۰/۰۵ است لذا با اطمینان ۰/۹۵ نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی تائید می‌شود.

ب) عدم خودهمبستگی خطای مدل رگرسیونی: آماره دوربین واتسون در مدل رگرسیونی مذکور ۱/۶۹۸ است بنابراین فرض عدم خودهمبستگی برای خطا مدل رگرسیونی تائید می‌گردد.

ج) عدم همبسته بودن متغیرهای پیش‌بین یا همخطی (عدم ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین): برای ارزیابی وجود ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین از آماره عامل تورم واریانس[1] VIF استفاده می‌نماییم.

1. Variance inflation factor

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

جدول ۷: نتایج بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین فرضیه دوم

	آماره آزمون
بیش اطمینانی مدیریت ($O_{i,t}$)	۱/۹۰۱
سرمایه نظارتی ($RC_{i,t}$)	۱/۶۳۲
اثر توأم سرمایه نظارتی و بیش اطمینان مدیریتی	۱/۸۸۱
اندازه بانک ($Size_{i,t}$)	۱/۲۵۱
اندازه هیئت‌مدیره ($Board-size_{i,t}$)	۱/۳۶۵
استقلال هیئت‌مدیره ($Board-ind_{i,t}$)	۱/۴۴۱
مالکیت سهامدار عمده ($OWN1_{i,t}$)	۱/۲۵۹
مالکیت دو سهامدار عمده ($OWN1-2_{i,t}$)	۱/۶۴۰
مالکیت پنج سهامدار عمده ($OWN1-5_{i,t}$)	۱/۰۳۲

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین مشکل هم خطی را نداشته و مدل دارای اعتبار است.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری با توجه به سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیریت بر ثبات بانک، تأثیر مستقیم و معناداری دارد و سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، این رابطه را به‌طور معناداری تضعیف می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که وقتی بیش اطمینانی مدیریت افزایش می‌یابد، بانک رفتار مالی باثبات‌تری را دنبال می‌کند.

به عبارتی، در شبکه بانکی ایران حضور مدیران بیش اطمینان، منجر به ریسک‌پذیری کمتر بانک‌ها می‌شود. با توجه به آنکه نتایج بیانگر اثر مستقیم بیش‌اطمینانی مدیران بر ثبات بانکی است، می‌توان بیان نمود که در ایران آنچه که از منظر مدیران منجر به پاداش بیشتر برای مدیران می‌شود ثبات بیشتر بانک است. البته وقتی به شرایط تورمی در ایران دقت شود مشاهده می‌شود که در ایران، بیش سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، به دلیل شرایط تورمی یک نوع فعالیت مالی سوداگرانه به

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

شمار می‌رود که در نهایت آستانه تحمل بانک‌ها را در شرایط تورمی افزایش داده و اگرچه آن‌ها را از وظایف ذاتی اولیه خود دور می‌کند، اما بازدهی بالاتری نسبت به بازدهی وظایف ذاتی به دلیل شرایط تورمی نتیجه می‌دهد. بنابراین با وجود آنکه مدیران بیش اطمینان در ایران، به دنبال بازدهی بالاتر در فعالیت‌های حقیقی بانک‌های تحت مدیریت خود نبودند، اما با این شیوه و بهره‌گیری از شرایط تورمی کشور، بازده بالاتری را حاصل نموده‌اند. در حقیقت، شرایط تورمی ایران عامل اثرگذاری در تحلیل نتایج بوده است و منجر به آن شده است که بیش اطمینانی مدیران در ایران نه به دلیل آنکه به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه تمایل دارند و سرمایه‌گذاری پربازده در حیطه وظایف صنعت مورد فعالیت خود را دنبال می‌کند، بلکه برعکس به دلیل سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد و گاهی مخرب در فضای اقتصادی کشور، به ثبات بیشتر بانک منجر شده است. از این منظر تفاوت در آنچه در مبانی نظری مورد انتظار بود را می‌توان توجیه نمود. به عبارتی، نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که عملکرد مستقل مدیران در تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های شبکه بانکی در ایران بسیار ضعیف است و نحوه تسهیلات‌دهی و کسب بازدهی از این محل، تابع مقررات بانک مرکزی است. علاوه بر آن بخشی از این تسهیلات، تسهیلات تکلیفی است که تابع دستورات و مصوبات دولتی است و از سوی دیگر، مدیران در شبکه بانکی ایران توسط بانک مرکزی انتخاب می‌شوند (طاهری، ۱۴۰۲) که این مسئله مجدد فضای فعالیت و تدوین استراتژی مدیران و رفتار بیش‌اطمینان مدیران را محدودتر می‌نماید. همچنین، از منظر استراتژی‌های پرخطر بانک‌ها که توسط دی یانگ و همکاران (۲۰۱۳) نیز بیان شده است می‌توان در تفسیر این یافته گفت، در ایران سیاست‌گذاری مدیران در میزان تسهیلات به واحدهای صنعتی بیشتر تابع نظر حاکمیت تا مدیریت، است.

بنابراین، در ایران کانون توجه شدن مدیران، در بازده بالاتر واقعی در نوع فعالیت اصلی بانک نیست، بلکه مشارکت در فعالیت‌های غیرذاتی با عملکرد اصلی که بتواند بازدهی بالاتر تولید کند و همسو با شرایط تورمی باشد، تحسین بیشتری برای مدیریت داشته است. کاسنر (۲۰۲۲) و استپانوا و سوروا (۲۰۱۹) نیز بیان می‌کنند که اعتماد بیش از حد مدیریتی به عنوان یکی از ویژگی‌های

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

شخصیتی مدیران به‌طور قابل‌توجهی بر سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها و ثبات بانکی تأثیرگذار است، از سوی دیگر، هامبریک و میسون (۱۹۸۴) بیان می‌کنند که مدیران رده بالا برای سازمان مهم هستند، زیرا آن‌ها از طریق تصمیم‌گیری استراتژیک بر نتایج شرکت تأثیرگذار هستند. به عبارتی، انتخاب‌های استراتژیک ماهیت پیچیده‌ای دارند و نه‌تنها مهارت‌های شناختی و ارزش‌های شخصی مدیران در فرآیند تصمیم‌گیری مؤثر است، بلکه بازتاب پیامدها و نوسانات اقتصادی نیز می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری را متفاوت ارائه دهد.

در فرضیه دوم، نقش تعدیلی سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه در تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک‌پذیری بانک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ضریب بیش اطمینانی مدیریت، مثبت و معنادار؛ ضریب سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، منفی و معنادار و ضریب متغیر تعاملی بیش اطمینانی مدیریت و سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه، منفی و معنادار است. بنابراین، در بانک‌ها با مدیران بیش‌اطمینان، سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه بالاتر منجر به کاهش ثبات بانکی بانک شده است. به عبارتی، می‌توان بر یافته قبلی صحه گذاشت، زیرا نتایج حاکی از آن است که در شبکه بانکی ایران شفافیت عملیاتی و مقررات نظارتی ثبات بانکی را کاهش داده است. بر اساس مبانی نظری نیز این یافته را می‌توان با دیدگاه منفعت خصوصی مقررات بانکی همسو دانست. درواقع می‌توان گفت محدودیت‌های بیشتر در فعالیت‌های بانکی تمایل به کاهش بهره‌برداری از صرفه‌جویی در حوزه و مقیاس در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات درباره شرکت‌ها، ایجاد سرمایه شهرت و ارائه انواع خدمات به مشتریان دارد. محدودیت‌ها می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که اختیاری را به تنظیم‌کننده‌ها بدهند و در نتیجه قدرت چانه‌زنی آن‌ها را برای رانت‌جویی افزایش دهند. بر این مبنا به نظر می‌رسد ارتباط مثبت بین محدودیت‌های فعالیت و ریسک‌پذیری بانک برقرار باشد؛ یافته‌ای که در این پژوهش نیز بدان دست یافته شد. از سوی دیگر این یافته با دیدگاه منفعت عمومی متفاوت است. بنابراین، آنچه از منظر مقررات نظارتی در ایران حاصل می‌شود بیشتر دیدگاه منفعت خصوصی است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

منابع

امینی راد، مهدی، مهرگان، نادر، شاه‌آبادی، ابوالفضل، جعفری سرشت، داود. (۱۴۰۱). الگوسازی تبیین کننده‌های ریسک‌گریزی در اقتصاد ایران. *مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۷ (۱)، ۹۷-۱۲۱.*

امینی راد، مهدی، مهرگان، نادر، شاه‌آبادی، ابوالفضل، جعفری سرشت، داود. (۱۳۹۸). ریسک‌گریزی و چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران. *اقتصاد و الگوسازی، ۱۰ (۲)، ۳۵-۵۸.*

ایزدی‌نیا، ناصر و اعظمی، بهاره. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و عملکرد و پنج حوزه مدیریتی و مالی (مطالعه موردی: بانک‌ها و شرکت‌های وابسته و فرعی). *دانش حسابداری مالی، ۴ (۲)، ۵۳-۷۶.*

بخردی نسب، وحید. (۱۳۹۹). واکنش ریسک‌پذیری صنعت بانکداری در نظام اقتصادی به مقررات‌گذاری احتیاطی بر سرمایه با تأکید بر نقش کارایی سرمایه‌گذاری مبتنی بر نظریه سپر سرمایه. *فصل‌نامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، ۶*، (بهار و تابستان).

طاهری، ماندانا (۱۴۰۲). شناسایی موانع و چالش‌های افشای ریسک در بانک‌ها: با تأکید بر روش نظریه زمینه بنیاد. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی. ۱۱ (۴۳):۶۴-۳۱

طاهری، ماندانا. (۱۳۹۹). ریسک سیستمی و اثر آن بر ثبات بانکی. *بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۷ (۲)، ۲۲۵-۲۴۱.*

عسگری، وحیده؛ کامیابی، یحیی؛ خلیل پور، مهدی. (۱۴۰۱). ارائه مدلی برای بررسی اطمینان بیش از اندازه، اولویت ریسک، رفتار توده‌وار و سرمایه‌گذاری ناکارآمد مدیران (رویکرد مبتنی بر تئوری بازی)، دانش سرمایه‌گذاری ۱۱(۴)، ۴۶۲-۴۳۹.

قالیباف اصل، حسن، پورداداش مهربانی، نازیلا، دهقان نیری، لیلا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ریسک‌گریزی مدیران و عملکرد نهادهای مالی در بازار سرمایه (مطالعه موردی صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری). *راهبرد مدیریت مالی، ۳(۳)، ۱-۲۳.*

هاشمیان، مهدی؛ احمد، محمدرمضان؛ نصیری، سعید؛ جرجرزاده، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر اعتماد بیش از حد مدیرعامل، ریسک‌پذیری بانک‌ها با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۳۴، ۸۴-۵۷.

Altin, D., & Jakaria, J. (2022). CEO Overconfidence and Risk-Taking Behaviour in Indonesian Banking Sectors.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

Altin, D., Nurazi, R., Santi, F., & Anwar, S. (2022). Efek ceo overconfidence terhadap pengambilan risiko likuiditas bank komersil di Indonesia *Journal ilmiah akuntansi, manajemen dan ekonomi islam (jam-ekis)*, 5(1), 1-14.

Bekhradi Nasab, V. (2020). Effects of prudential regulation on capital on risk-taking due to the moderating role of capital efficiency in banks and financial institutions listed on the Tehran Stock Exchange based on capital Buffer theory. *Quarterly Studies in Banking Management and Islamic Banking*, *6*(14), 133-160. [In Persian]

Buyl, T., Boone, C., & Wade, J. B. (2019). CEO narcissism, risk-taking, and resilience: An empirical analysis in US commercial banks. *Journal of Management*, 45(4), 1372-1400.

Chatterjee, A., & Hambrick, D. C. (2011). Executive personality, capability cues, and risk taking: How narcissistic CEOs react to their successes and stumbles. *Administrative science quarterly*, 56(2), 202-237.

Chen, S. (2010). The role of ethical leadership versus institutional constraints: A simulation study of financial misreporting by CEOs. *Journal of Business Ethics*, 93(Suppl 1), 33-52.

DeYoung, R., Peng, E. Y., & Yan, M. (2013). Executive compensation and business policy choices at US commercial banks. *Journal of financial and Quantitative Analysis*, 48(1), 165-196.

Djankov, S., La Porta, R., Lopez De, F., & Shleifer, A. (2002). The Regulation of Entry. The Quarterly Journal of Economics, 117(1), 1-37. doi:10.3386/w7892

Emmons, R. A. (1987). Narcissism: theory and measurement. *Journal of personality and social psychology*, 52(1), 11.

Fersi, M., & Boujelbène, M. (2021). Overconfidence and credit risk-taking in microfinance institutions: a cross-regional analysis. *International Journal of Organizational Analysis*.

Gerasimova, E. (2021). CEO CHARACTERISTICS AND BANK RISK-TAKING.

Gerstner, W. C., König, A., Enders, A., & Hambrick, D. C. (2013). CEO narcissism, audience engagement, and organizational adoption of technological discontinuities. Administrative science quarterly, 58(2), 257-291.

Goel, A. M., & Thakor, A. V. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *the Journal of Finance*, 63(6), 2737-2784.

Hashmiyan M, Ramezan Ahmadi M, Nasiri S, jorjorzadeh A. Examining the effect of CEO ower confidence on banks risk taking using the Generalized Method of Moments(GMM). mieaoi 2021; 10 (34):57-84. [In Persian]

Hambrick, D. C. & Mason, P. A. (1984). Upper Echelons: The Organization as a Reflection of its Top Managers. *Academy of Management Review*, 9(2), pp. 193-206.

Ho, P. H., Huang, C. W., Lin, C. Y., & Yen, J. F. (2016). CEO overconfidence and financial crisis: Evidence from bank lending and leverage. *Journal of Financial Economics*, 120(1), 194-209.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

Jilani, W., & Chouaibi, J. (2021). To What Extent does CEO Behavior Enhance Risk-Taking? A Banking Sector Related Evidence. *Scientific Annals of Economics and Business*, 68(3), 309-332.

Kaplan, S. N., Klebanov, M. M., Sorensen, M. (2012). Which CEO Characteristics and Abilities Matter? The Journal of Finance, 67 (3), 973–1007.

Kassner, B. (2022). Taming Overconfident CEOs–Managerial Overconfidence, Risk-Taking, and Financial Regulation.

Koellinger, P., Minniti, M., & Schade, C. (2013). Excess Entry and Entrepreneurial. The dynamics of entrepreneurship: Evidence from global entrepreneurship monitor data, 11.

Lee, J. P., Lin, E. M., Lin, J. J., & Zhao, Y. (2020). Bank systemic risk and CEO overconfidence. *The North American Journal of Economics and Finance*, 54, 100946.

Lin, X. (2019). Dose Managerial Optimism Affect Bank Risk-Taking? An Empirical Analysis Based on A-Share Listed Banks in China. *American Journal of Industrial and Business Management*, 9(03), 503.

Mahdi, I. B. S., & Abbes, M. B. (2018). Risk and inefficiency: Behavioral explanation through overconfidence in Islamic and conventional banks. *Managerial Finance*.

Mateev, M., Sahyouni, A., & Tariq, M. U. (2023). Bank regulation, ownership and risk taking behavior in the MENA region: policy implications for banks in emerging economies. *Review of Managerial Science*, 17(1), 287-338.

Obadire, A. M., & Obadire, K. (2023). Determinants of Banks' Risk-Taking Behaviours in Africa: A Regulatory Perspective. *Open Journal of Business and Management*, 11(2), 673-687.

Salehi, M., Arianpoor, A., & Naghshbandi, N. (2021). The relationship between managerial attributes and firm risk-taking. *The TQM Journal*.

Salehi, M., Naeini, A. A. A., & Rouhi, S. (2020). The relationship between managers' narcissism and overconfidence on corporate risk-taking. *The TQM Journal*.

Schaefer, P. S., Williams, C. C., Goodie, A. S., & Campbell, W. K. (2004). Overconfidence and the big five. *Journal of research in Personality*, 38(5), 473-480.

Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 7 (11): 4-11.

Stepanova, A., & Suraeva, A. (2019). An Overconfident CEO vs A Rational Board: The Tale About Bank Risk-Taking. Higher *School of Economics Research Paper* No. WP BRP, 78.

Taheri M. Identifying the Problems and Challenges of Risk Disclosure in Banks: with an Emphasis on the Grounded Theory Method. qjfep 2023; 11 (43):31-64. [In Persian].

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

Taheri, M. (2020). The effect of systematic risk on Iranian banks stability. *Journal of Iranian Economic Issues*, *7*(2), 225-241. [In Persian].

Wu, Y. (2020). Managerial overconfidence and corporate investment decisions-Research based on Chinese listed companies (Doctoral dissertation, University of Otago).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/qjfep.12.47.127]